



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۰۸

د ص سعیدی

من افغان نیستم

من افغان ام!
من چرو ام!
من دلاک ام!
من وطنفروشم!
و من افغان با عزتم! و...

باش، کار توست! به خوبی و انسان خوب خوش میشویم، به بدی و موقف بد متأثر میشویم. و در امر بد و ارتکاب امر بد و خراب اگر حاکمیت و دست قانون، بدی مضر را در مطابقت به حکم قانون، نافذ و مشروع دستگیر و بعد از نهایی شدن حکم بروی محازات را تحمیل و تطبیق کرد، در همان چوکات مطرح است! در امر منکر، تخلف، و حرام کار هر کس در جاده و سرک نیست که امر منکر، و تخلف را با برداشتن شمشیر مانع شود! این کار حاکمیت اسلامی، کار حاکمیت و مجری قانون است که در برابر تخلف تعریف شده در قانون مشروع و مدون وظیفه و رسالت خود را اداء کند، مانع فتنه و شرارت شود!

اگر بحث را جنایی، کمیدی بحث کنیم، سفارش و تأکید در مورد اینکه انسان ذلیل، گمراه، وطنفروش که در اقرار خود، کار خودش ولی در اتهام خود، علیه خود و کلکتیف بزرگ، طعن وارد میکند و به خود و جمع کثیر، یک ملت، دشنام میدهد و عوض اینکه بگوید، من چلو و کودن و وطن فروشم، آنر (ما) سازد و از کتله و قوم و ملت صحبت میمند، در برین حالت مدارا و خیر است و خیر است و با ادب صحبت کردن، کار درست نیست! شخص، مریض، معلول، وطنفروش، حرامی و والزنا را به همان نام یاد کردن بکار است که خود برای خود انتخاب کرده و یا یا راز مادر خود را افشاء کرده!

از لحاظ حقوقی، اقرار حجت قاصره است که سند اثباتی است بر علیه اقرار کننده و طعن است بر شخص سوم!
لذا

ما افغان و ملت نیستیم!

بلی تو چلو و کدو و وطن فروش کوپته و ...، افغان نیستی، اما حق نداری، این را به نام ملت و کتله بزرگ پیوند سازی و ما خط « دیورند » را قبول و سرحد میدانیم، بگویی! تو سر پیاز و یا تو بیخ پیاز!
من باید برایت حوصله کنم و بیرسم که خیر است، چون و چرا کنم! گوساله بیدوم: من میگویم، سند به نام « دیورند لاین » امضاء نه شده، در روی زمین نشانی نه شده، مطابق (کامن لا)، اگر شده باشد، هم، صد سالش پوره شده، مدت پوره است، و من خواهان تدویر محکمه و عدالت! ... اما تو بی شرم و بی حیاء، جمله ام ختم ناشده، با تمام وقاحت و چشم سفیدی، میگویی، تفاهم نامه « دیورند لاین » را نیاکانت (عبدالرحمن خان) امضاء و زمین را فروخته! لذا به من انتخاب و چیزی نمی ماندی که بگویم، اولاده آن حرمسرای ۳۰-۲۵ نفر خانم همان امیر تو هستی که سخن و منطق و سند را شنیدی، با تکرار مکرر همان چیزی اولی را تکرار (سند امضاء نه شده را سند و امضاء) و تخلف در تخلف و من باید، با ادب باشم!

بلی متخلف اگر برای حاکمیت و حاکم اسلامی افشاء نه شد، متخلف توبه بکشد و تخلف را به اعلان نه گذارد و یا به آن مباحثات نه کند!

مشکل ندارد که تو خود را شناختی که افغان نیستی، بلی مشکل ندارد که هموطن، افغان و انسان دردمند در ویانا، فرانسه، روسیه، جرمنی، ترکیه و یا انگلستان مینشینند، جلسه میکند و برای خود، وطن خود و مردم خود میانندیشد و نسخه (خوب، وارد و یا غیر وارد) مطرح میکند!

تا این مرحله، حق هر کس به صورت انفرادی همان نشست در کل است که از نام خود، انتخاب خود و همان گروپ خودو اجتهاد خود، اظهار نظر کند! درین نفس موضع در همین سطح مشکل نیست!

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

مشکل، معضل، حساسیت و مشکل زمانی بروز میکنند و به میان می آید که هر چلو، وطنفروش، خابن، مزدور، احمق، متخلف، جاهل و وطن فروش همان (من) را (ما) کند و از نام ملت، مردم، زعامت ملت، نام قوم، زبان و کشور خود را نماینده معرفی کند، تلقی کند، صدا غور کند و بسازد و از نام کلکتیف کتله بزرگ، با گستاخی، چالاکي و حرامی گری خود را نماینده، نطق و گوینده معرفی کند و گویا آن رازیکه متعلق به والدین و مادر همان شخص است، فاش کند و کل کلکتیف افغان با عزت و با شرف را در آن داخل کند و از نام ایشان و به نام ایشان، تجارت ناروا و غیر مجاز، با تمام چشم سفیدی کند و بگوید: «ما افغانها ملت نیستیم» از جنگ های استقلال، آزادی، زبانها، افتخارات و مشترکات عدید که برای یک ملت ضرور است و ما داریم، ایشان منکر شوند و گستاخی و خیانت کنند! بلی مشکل در معرفی شخص از خود (من)، نیست، مشکل در (ما) گفتن شان است!

ملتیکه هم تاریخ، داردم کارنامه و هم جغرافیا و هم سه ابر قدرت جهان را شکست داده، شهزاده عبدالرحمن با عساکر ازبک و ترکمن، بعد از یازده سال تبعید از مهمانخانه روسها، وارد کشور ما افغانستان شده و حاکمیت قوی، مرکزی ایجاد میکند و وارثین تخت و تاج (امیر شیرعلیخان متوفی) را در سراسر افغانستان به شمول افغانستان، مرکزی سرکوب و وارثین (امیر شیرعلیخان) از افغانستان مرکزی را هم تارو تار کرده و سلطه خود را قایم میدارد! چنین ملت، زبانش، کلچرش و ارزشهای مادی و معنوی اش را نادیده گرفتن و صرف میگوید (ما) افغان نیستیم! ما ملت نیستیم! بلی مسلم است که تمام شاهان و امرای آن وقت ظلم و تعدی کردند و امرای افغان از آن مبرا نیستند! تو افغان نیستی، تو نباش، تو نیستی، توسر پیاز، تو بیخ پیاز توجه؟ تو نباش!

به یاد دارم شخص به نام سبزه شخص مشهور در نظام جمهوریت داوود خان و بعد آن بود. من جوان، سپورتمن و بعد از کورس قضاء در محکمه ده سبز ولایت کابل، مقر ولسوالی بی بی مهر، عضو محکمه بودم. جوان بلند بالای با دختر زیبای وارد محکمه شد و برای آن دختر تفریق (طلاق) و جدایی از شوهرش از محکمه مطالبه داشت! این پروسه معمولاً چند ماه را در بر میگرفت! کاکا عبدالله پنجشیری، ملازم و چپراسی محکمه، برایم یک روز گفت: قاضی صیب! گفتم: بلی، کاکا عبدالله خیریت خو باشد؟ کاکا عبدالله گفت و سوال کرد: این آدم را شناختی؟ گفتم کدام؟ گفت این شخص که با آن زن زیبایی جوان آمده و از شوهر خود تفریق (طلاق) میخواهد؟ گفتم: نه... خلص: کاکا عبدالله گفت: این آدم مشهور است و سبزه نام دارد و دختر زیاد و دختر فروش و کسبه کار! مشهور کابل است... آن وقت گذشت! همین سبزه را سالها بعد دیدم که در تلویزیون به افراد و جنرالان نظامی خارجی ملاقاتها و نشست و برخاست دارد و مهم شده...

منظور چیست؟ اگر چنین شخص اقرار کند که زن فروش و وطن فروش بوده، باشد، هویت خود را خود گفته و ثابت کرده، من در مورد چه مشکل دارم! هویتش و کار خودش! اما اگر این را به مردم ولسوالی ده سبز و ولسوالی بی بی مهر، نسبت میدهد، دیگر قابل قبول نیست و حوصله سر میرود و قابل فهم هم است. سفارش های حوصلمندی، سفارش های کنجکاو و یافتن حالت روانی و دلایل و اینکه چرا امیر عبدالرحمن حرمسرا داشت و از کجا کجا غلام و کنیز می آورد، یک بحث و اینکه حال به این بهانه کس ملت افغان را توهین و تحقیر کند و ما باید حوصله کنیم، سفارش خوب نیست!

درینجا سوال اولی پیدا میشود که توهین، تحقیر و حمله را ناجوانمردانه، نابخردانه، کی آغاز کرد؟ آنکه افغان را ملت نمی داند و یا آنکه چنین نظر را خاینانه میداند! خوب اگر وطنفروش و خابن خود را افغان نمی داند، نباشد. اما از نام ملت و کتله بزرگ ساکنان این مرز و بوم، حق چنین بحث و افاده را ندارد! آنهایکه مستقیم و یا در لفافه و وسط سطور به خاطر شرارت و بدی و ضد افغان و ملت افغان و تمامیت ارضی و منافع ملی کار میکنند، در چوکات مدافعان منافع ملی، نمی گنجد!

باید دقت کرد و فهمید که بصیرت انسانی، در عصر امروز چنان بلند رفته، که روی خط، پشت خط، وسط خط، روی ورق و پشت ورق را میخوانند و قضاوت عینی دارند!

زمستان خواهد گذشت و روی سیاهی به ذغال خواهد ماند!

بلی جنرالان پاکستانی تیکه ظلم و شرارت را بار دیگر در افغانستان گرفته اند و عده از خابن، دل به ایشان دوخته، اند! ای وای بر آمریکا و جهان و ای وای بر افغان که اتکا، به شرارت و بدی چون جنرال ذلیل پاکستان کند!

خجالت دنیا و آخرت را مواجه خواهند شد!

زمان اینرا ثابت خواهد کرد!

خسر الدنيا و الاخره (ان شاء الله تعالی) خواهند شد!

من افغانم و بر افغان بودن خود افتخار دارم!

داکتر صلاح الدین سعیدی

۲۰۲۶/۵/۷

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸